

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی
تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

بدینوسیله گواهی می شود خانم/آقای امیر فرهنگ نیا در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ از رساله دکتری
واحدی خود با عنوان: الحدائة في شعر عز الدين المناصرة دراسة في الشكل و المضمون

دفاع کرده است. اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا بررسی کرده و پذیرش آنرا برای دریافت درجه دکتری تخصصی (Ph.D) تأیید می نمایند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	دانشیار	کبری روشنفکر	۱- استاد راهنما (اصلی)
			۲- استاد راهنما (دوم)
	دانشیار	خلیل پروینی	۳- استاد مشاور (اول)
	دانشیار	علی گنجیان خناری	۴- استاد مشاور (دوم)
	استادیار	هادی نظری منظم	۵- استاد ناظر (داخلی)
	استاد	فرامرز میرزانی	۶- استاد ناظر (داخلی)
	استاد	حامد صدقی	۷- استاد ناظر (خارجی)
	دانشیار	عزت ملا ابراهیمی	۸- استاد ناظر (خارجی)
	استاد	فرامرز میرزانی	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب امیر فرهنگ نیا دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۹ مقطع دکتری دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته زبان و ادبیات عرب است که در سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر کبری روشنفکر، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر خلیل پروینی و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر علی گنجیان خناری از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب امیر فرهنگ نیا دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: امیر فرهنگ نیا

تاریخ و امضا:



كلية العلوم الإنسانية

بحث مقدم إلى قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة تربيت مدرس

لنيل درجة الدكتوراه

الحدائثة في شعر عزالدين المناصرة (دراسة في الشكل و المضمون)

الطالب:

أمير فهنك نيا

الأستاذ المشرف:

كبرى روشن فكر

الأستاذ المشرف المساعد الأول:

خليل پرويني

الأستاذ المشرف المساعد الثاني:

علي گنجيان خنارى

شتاء ۱۳۹۳ - ۲۰۱۵

الإهداء إلى:

والديّ اعترافاً بفضلهما

و

تعبيراً عن حبّ يتجاوز حدّ العشق

كلمة الشكر

أتقدم بخالص شكري و امتناني للأستاذة الفاضلة سعادة الدكتورة كبرى روشن فكر التي تفضّلت بقبول الإشراف على البحث و بذلت سيادتها قصارى جهدها بآرائها السديدة و النافعة و بحسن الخلق لكي يقوم البحث على ساقيه؛ كما أشكر المساعد الأول و مدير القسم، الأستاذ الجليل الدكتور خليل برويني، و المساعد الثاني سعادة الدكتور علي كنجيان، لما أفدت من آرائهما الثاقبة و ملاحظتهما القيمة طوال فترة إعداد البحث؛ كما أتقدم بشكري و امتناني للأستاذين الفاضلين الدكتور متقي زادة، و الدكتور نظري منظم، و الله يحفظهم جميعاً و يساعدهم.

و لا أنسى الشكر لكلّ من ساعدني طوال فترة الدراسة في مرحلة الدكتوراه، خاصة أسرتي و أصدقائي، فإن لم أذكر أسماءهم جميعاً و لكن لن أنسى أياديهم البيضاء و أتمنى لهم التوفيق، و الله من وراء القصد و هو المستعان.

الملخص

«الحدائثة» هي مصطلح مستعص على التحديد، يفسرها كلُّ ناقد و أديب من منظوره، فهي إيجاد ما لم يكن موجوداً من قبل و يظلّ هذا الشيء حديثاً، إن ظلّ فتيماً و غير مألوف، و من أهم خصائصها أن تكون تعبيراً عن المضمون الاجتماعي و الثقافي الذي يعيشه الأديب، و هذا هو السبب لموافقة البعض و مخالفة الآخرين لها؛ لعلّ أولى ملامح الحدائثة الأدبية العربية ظهرت إثر نشوء العلاقات بين الأدب العربي و آداب اللغات الأخرى؛ على الرغم من أن الحدائثة هي إبداع و خروج على ما سلف؛ و لكنها أدت إلى بروز أعمال خصبة في الأدب.

فمن اللازم البحث عن جذور الحدائثة في الأدب العربي الحديث و في محاولات شعراء المهاجر الأمريكية و حركة الشعر الحرّ و مجلة «شعر» اللبنانية؛ و لكن وجه الاشتراك عندهم هو رفض الجو السائد أو الراهن لذلك الوقت؛ تتمحور الحدائثة في الشعر العربي حول الشكل و المضمون، حيث ترتبط الحدائثة شكلاً بالإيقاع أو البنية الإيقاعية، بحيث يتم الانتقال من مستوى الكتابة بالبيت ذي الشطرين المتساويين المنتهي بقافية إلى مستوى الكتابة بالتفعيلة؛ و القصيدة المنشورة، أما مضمون الشعر الحدائثي يتجلى في التعبير عن المشاعر الإنسانية الداخلية و مواكبة روح العصر، القضايا الإنسانية، الوطن، الاغتراب، الغموض في دلالة الألفاظ، استدعاء الشخصيات التاريخية و الدينية، تراسل الحواس؛ في هذا الصدد من أبرز ملامح الحدائثة الشعرية الفلسطينية هو أهمها ثورية و ذات رؤية استشرافية للمستقبل، و من متطلباتها الحرية و الوقوف في وجه الأعداء، و المقاومة و الدفاع عن الشعب و الاحتفاظ بالكرامة الإنسانية، و التطلع إلى واقع أفضل.

يهدف هذا البحث إلى دراسة الحدائثة الشعرية عند محمد عزالدين المناصرة و هو من كبار الشعراء الحدائثيين الفلسطينيين، كما يسعى البحث إلى تبين المضامين الحدائثة كالفقر، المرأة، الفساد، الاغتراب، النضال، المدينة الفاضلة، و إن كانت هذه المضامين قديمة و جديدة و لكنها في قاموس الحدائثة يُنظر إليها من رؤية جديدة و شاملة، مثيرة أسئلة تُطرح في المستقبل؛ إلى جانب قضايا الشكل كالأوزان التقليدية، القافية و الروي، الشعر الحر، و الشعر المرسل و القصيدة القصيرة، و قصيدة الهوامش، و القصيدة السردية و قصيدة السير ذاتية.

الكلمات الرئيسية: الشعر العربي، الحدائثة، الشكل، المضمون، فلسطين، عزالدين المناصرة.

المحتويات

١	الفصل الأول، المقدمة، المفاهيم.....
٢	١-١ - المقدمة:.....
٣	٢-١ - مسألة البحث:.....
٩	٣-١ - أسئلة البحث:.....
٩	٤-١ - فرضيات البحث:.....
١٠	٥-١ - ضرورة البحث:.....
١٠	٦-١ - أهداف البحث:.....
١٠	٧-١ - مستجدات البحث:.....
١٠	٨-١ - منهج البحث:.....
١٢	الفصل الثاني: خلفية البحث:.....
١٣	١-٢ - الكتب:.....
١٤	٢-٢ - الرسائل الجامعية:.....
١٦	٣-٢ - المقالات:.....
٢٠	الفصل الثالث: التعاريف العامة و المفاهيم النظرية.....
٢١	١-٣ - تعريف الحداثة:.....
٢٥	٢-٣ - بين الحداثة و الإبداع و التجديد:.....
٢٦	٣-٣ - الحداثة الغربية.....
٢٨	٤-٣ - جذور الحداثة العربية.....
٣٢	٥-٣ - مواقف الأدباء و النقاد العرب من الحداثة.....

- ٣٣-٣-٦- أشكال الحداثة الشعرية.....
- ٣٦-٣-٦-١- الشعر الحر.....
- ٣٨-٣-٦-٢- الشعر المنثور.....
- ٣٩-٣-٦-٣- قصيدة النثر.....
- ٤١-٣-٦-٤- القصيدة الرعوية.....
- ٤٣-٣-٦-٥- القصيدة القصيرة.....
- ٤٦-٣-٦-٦- قصيدة التوقيعة.....
- ٤٥-٣-٦-٧- الهايكو.....
- ٤٥-٣-٦-٨- القصيدة السيرذاتية.....
- ٤٦-٣-٦-٩- التكرار.....
- ٤٦-٣-٧-٧- مضامين الحداثة.....
- ٤٦-٣-٧-١- الحداثة العقديّة.....
- ٤٨-٣-٧-٢- الاغتراب.....
- ٥١-٣-٧-٢-١- الاغتراب الاجتماعي.....
- ٥١-٣-٧-٢-٢- الاغتراب الذاتي.....
- ٥٢-٣-٧-٢-٣- الاغتراب المكاني.....
- ٥٢-٣-٧-٢-٤- الاغتراب الروحي.....

٥٣.....	٣-٧-٢-٥-الاغتراب السياسي.....
٥٣.....	٣-٧-٢-٦-الاغتراب الاقتصادي.....
٥٤.....	٣-٨-القضايا القومية و الإنسانية.....
٥٧.....	الفصل الرابع: تجليات حداثة الشكل و المضمون في شعر عزالدين المناصرة.....
٥٨	٤-١- سيرة عزالدين المناصرة الشخصية.....
٥٩.....	٤-٢-عزالدين المناصرة، و ثقافته الشعرية.....
٦٩.....	٤-٢-١-المؤثرات الثقافية و الفكرية للمناصرة.....
٧٠.....	٤-٢-١-١-المؤثرات الثقافية.....
٧١.....	٤-٢-١-٢-المؤثرات الفكرية.....
٧٤.....	٤-٣- الحدائة في شعر المناصرة.....
٧٧.....	٤-٣-١- حداثة الشكل.....
٧٨.....	٤-٣-١-١- قصيدة التفعيلة.....
٨٤.....	٤-٣-١-٢- الشعر المنشور.....
٨٤.....	٤-٣-١-٣-قصيدة النثر.....
٩٢.....	٤-٣-١-٤- القصيدة الرعوية.....
٩٦.....	٤-٣-١-٥- القصيدة القصيرة.....
١٠٣.....	٤-٣-١-٦-قصيدة التوقية (الإيجرام).....
١١٠.....	٤-٣-١-٧-القصيدة الموضبة.....

- ١١١.....٤-٣-١-٨- قصيدة الهوامش
- ١١٣.....٤-٣-١-٩- الهايكو و التانكا
- ١١٥.....٤-٣-١-١٠- القصيدة السير ذاتية
- ١١٧.....٤-٣-١-١١- التشكيل الهندسي في شعر المناصرة
- ١٢٠.....٤-٣-١-١٢- التكرار
- ١٢٠.....٤-٣-١-١٢- التكرار الاستهلاكي
- ١٢١.....٤-٣-١-١٢- التكرار الختامي
- ١٢٣.....٤-٣-١-١٢- التكرار التراكمي
- ١٢٤.....٤-٣-١-١٢- التكرار الدائري
- ١٢٥.....٤-٣-١-١٢- التكرار المتدرج (الهرمي)
- ١٢٧.....٤-٤-٤-٤- حدثا المضمون
- ١٢٨.....٤-٤-١-٤- الهوية عند المناصرة
- ١٣٣.....٤-٤-٢- القضايا القومية و الإنسانية
- ١٣٤.....٤-٤-٣- المقاومة الفلسطينية و موقف المناصرة منها
- ١٤٤.....٤-٤-٤- الشهيد و الاستشهاد
- ١٤٥.....٤-٤-١- الشهيد و الوطن
- ١٥٣.....٤-٤-٢- الشهيد و التراث
- ١٥٥.....٤-٤-٥- الحداثة العقديّة

- ١٥٧.....٤-٤-٤-٤ الذات و الآخر.....
- ١٦١.....٤-٤-٧-٤-٤ الاغتراب.....
- ١٦٢.....٤-٤-٧-١-٤-٤ الاغتراب الاجتماعي.....
- ١٦٥.....٤-٤-٧-٢-٤-٤ الاغتراب الذاتي.....
- ١٦٦.....٤-٤-٧-٣-٤-٤ الاغتراب المكاني.....
- ١٦٧.....٤-٤-٧-٤-٤ الاغتراب الروحي.....
- ١٦٩.....٤-٤-٧-٥-٤-٤ الاغتراب الاقتصادي.....
- ١٧٢.....٤-٤-٨-٤-٤ التواصل بالتراث الشعبي و توظيفه.....
- ١٧٧.....٤-٤-٩-٤-٤ استشراف المستقبل.....
- ١٧٨.....٤-٤-١٠-٤-٤ شعرية الأمكنة.....
- ١٨٤.....٤-٤-١١-٤-٤ التناص و روافده المعرفية.....
- ١٨٩.....٤-٤-١١-١-٤-٤ مصادر التناص في شعر المناصرة.....
- ١٨٩.....٤-٤-١١-١-١-٤-٤ النص الديني.....
- ١٨٩.....٤-٤-١١-١-١-١-٤-٤ القرآن الكريم.....
- ١٩٦.....٤-٤-١١-١-١-٢-٤-٤ التناص مع المأثور من النبي.....
- ١٩٨.....٤-٤-١١-١-١-٣-٤-٤ التاريخ الديني.....
- ١٩٩.....٤-٤-١١-١-١-٣-٤-٤ الشخصيات الدينية.....
- ٢٠٦.....٤-٤-١١-١-١-٣-٢-٤-٤ الشخصيات السلبية و المنبوذة.....

٢٧٤.....	٤-٤-٤- المبدع عند المناصرة.....
٢٧٥.....	٤-٤-٥- الثورة الشعرية العربية عند المناصرة.....
٢٧٧.....	٤-٤-٦- موقف المناصرة من الشعر الفلسطيني في القرن العشرين.....
٢٨٠.....	٤-٤-٧- موقف المناصرة من الحداثة العربية.....
٢٨٦.....	٤-٤-٨- موقف المناصرة من تفصيح العاميات و اللغة.....
٢٨٨.....	الفصل الخامس: النتائج و المقترحات.....
٢٨٩.....	٥-١- النتائج.....
٢٩٨.....	٥-٢- المقترحات.....
٢٩٩.....	ملخص البحث بالفارسية.....
٣١١.....	المصادر و المراجع.....
٣٢٣.....	المسرد العربي الفارسي الإنكليزي/الفرنسي للمفردات.....
٣٢٥.....	ملخص البحث بالإنجليزية.....

الفصل الأول:

المقدمة و المفاهيم

إن الشاعر يشعر بما لا يشعر به غيره، و الشاعر الحدائي هو من يمتلك رؤية مستقبلية و متميزة عن الشعراء القدامى، و هو الذي يثير الشك و التساؤل في الوجود و في الحياة و يتحدث عن مصيره و عن مصير أمتة و أبناء شعبه، فيغترب أحياناً و يأخذ الشعر كسلاح لبلوغ طموحاته الواسعة المدى التي قد تبدو بعيدة المتناول؛ من زاوية أخرى إن الحدائث من العبارات المطاطية و المستعصية على التحديد؛ فالبعض اعتبرها الخروج من الأوزان الخليلية، أو قضية شكلية من اللازم تجاوزها كما يلزم على رأيهم تحطيم التراث و الخروج عليه، ذلك لأن القدم و التراث لا يغنيان و لا يسمنان من جوع؛ ففات أوأهما و أكل الدهر عليهما و شرب منذ سنوات عديدة؛ و ما زال الشاعر متمسكاً بتلك الشعارات التراثية القديمة ذات الصخب و الضجيج و العجيج، فلا يمكنه أن يقوم بدور فاعل و بناء في ثقافة شعبه و أمتة؛ قال بعضهم الأمر إلى أن ولعوا بكل ما يصلهم من الغرب كما رأوا ما وصل إليهم من التراث مثيراً للاستهتار و مخيباً للآمال؛ فهؤلاء أصبحوا كما يقول المثل:

و عين الرضا عن كلِّ عيب كليلَةٌ و لكن عين السخط تبدي المساويا

و هناك طرف آخر قد وافق على الاعتراف بمشروع الحدائث الغربية و ذلك جنباً إلى جنب التراث الذي يعدُّ منجماً ذهبياً عندهم، انطلاقاً من هذا يُعتبر الشاعر الفلسطيني، محمد عزالدين المناصرة حدائثاً شكلاً و مضموناً، و بناءً على ذلك قسّم البحث على خمسة فصول: ففي الفصل الأول عالج مسألة البحث و أهميته و أسئلة البحث و فرضياته و مستجدات البحث؛ و في الفصل الثاني إطلالة سريعة و عابرة على خلفية البحث كالكتب و الأطاريح و الرسائل الجامعية و المقالات التي تختص بالحدائث الشعرية؛ و في الفصل الثالث يرد القسم النظري و التعاريف و المفاهيم العامة للبحث، كالتعريف بالحدائث و جذورها و أشكال الحدائث و مضامينها و أخيراً مواقف الأدباء و النقاد منها. و في الفصل الرابع يقوم الباحث بالدرس التطبيقي لحدائث الشكل و المضمون في شعر المناصرة و أخيراً يتناول مواقف الشاعر من الحدائث و ذلك من خلال كتاباته النقدية و في الخامس و الأخير تُعرض نتائج البحث و المقترحات.

و ختاماً أسأل الله عزّ و جل أن يوفق كلّ من ساعدني و لو بكلمة أو بحرف و يجزيهم عني خير الجزاء، و أمل أن أكون قد وقّفت في إعطاء البحث حقه من الدراسة و المناقشة و القراءة العلمية الدقيقة، و الله هو المستعان و عليه التكلان.

١-٢-٢- مسألة البحث:

«الحدائثة لغةً: هي إيجاد ما لم يكن موجوداً من قبل و يظلّ هذا الشيء حديثاً، إن ظلّ فنياً و غير مألوف، أي بقي في منأى من فعل العادة و القدم و احتفظ بجدة دائماً (زرراقت، ١٩٩١، ٤٣).

يبدو أنّ كل حدائثة تبدأ من تغيير اجتماعي جاء إثر عوامل متعددة؛ فهي ذلك الوعي الجديد بتمميزات الحياة، و المستجدات الحضارية و الانسلاخ من أغلال الماضي، و الانعتاق من هيمنة الأسلاف؛ فهي ليست ظاهرة مقصورة على فئة، أو طائفة، أو جنس بعينه، بل هي استجابة حضارية للقفز على الثوابت، و تأكيد مبدأ استقلالية العقل الإنساني تجاه التجارب الفنية السابقة، نجدها سمة غالبية عند كثير من الأمم؛ و إن اختلفت في منطلقاتها و مركزاتها الأساسية، إلّا أنّ أهدافها تكاد تكون واحدة (المهنا، ١٩٨٨، ٤)؛ لعلّ أولى ملامح الحدائثة الأدبية العربية ظهرت إثر نشوء العلاقات بين الأدب العربي و آداب اللغات الأخرى؛ اعتباراً من أنه لا يمكن فهم أدب أيّة لغة، إلا عبر الاطلاع على الأخرى من الآداب؛ و أصبحت هذه القضية من الإشكالات التي واجهها أدباء العالم الحديث؛ و هي «تكمن في هذه الهوة السحيقة بين الإبداع و التطلع إلى الحرية، بين الثورة على التقاليد و الأعراف القديمة و إيجاد طرائق جديدة في التفكير و التعبير مع لحاظ هذا الواقع في الوقت نفسه» (شرارة، ٢٠٠٢، ٢٩٣-٢٩٤).

فالحدائثة لا ترتبط بزمن، و كلّ ما في الأمر أنّ جديداً ما طرأ على نظرنا إلى الأشياء، فانعكس في تعبير غير مألوف؛ كما هي ليست مذهباً أدبياً ذا مبادئ و نظريات جاهزة محدّدة، و إنما هي حركة إبداع تواكب الحياة في تغييرها الدائم، و لا تقتصر على زمن دون آخر، لأن أي تغيير يطرأ على الحياة التي نحيها من شأنه أن يبدّل نظرنا إلى الأشياء، و عند ذلك يسارع الشعر إلى التعبير عن ذلك بطرائق خارجة عن السلف و المألوف (الحال، ١٩٧٨، ١٥)؛ فالحدائثة لا تتبع أيّ شكل من أشكال تعبيرية شعرية معيّنة، بل تتخذ موقفاً تجاه الحياة و تجاه القصيدة، و أخيراً فإنّ هذا الشكل الشعري قد انتشر و صار له كتابه و قرآؤه، و ذهب البعض إلى أنّها الجواب المناسب لما يريد العصر أن يقوله، و إنما هي قصيدة المستقبل لأنها هي الأشجع و الأكثر حرية؛ فهي -على رأي هؤلاء- تدمير ما نرفضه و إقامة ما نريده.

على الرغم من أنّ حركة الحدائثة كانت ثورة على الأشكال و المضامين السابقة، كجزء من نظرتهما إلى الحياة و العالم، فقد أدّت إلى بروز أعمال خصبة في الأدب و الفنون، و فتحت آفاقاً و دروباً جديدة أمامها و سيتناول الباحث الحديث عن تفاصيلها فيما يلي.

١-٢-١- جذور الحدائثة الشعرية

يختلف النقاد و الأدباء حول بداية تحول الشعر العربي نحو الحدائثة، ففي حين يرى البعض أن محاولات شعر المهاجر الأمريكي هي

البداية، يرى الآخرون أن البداية هي في حركة الشعر الحرّ في العراق عام ١٩٤٨، كما يرجعها البعض إلى حركة مجلة «شعر» اللبنانية في أواخر عام ١٩٥٦.

١-٢-١-١- شعر المهاجر الأمريكي

استطاعت الجماعات الأدبية العربية في المهاجر بروافدها المختلفة «الرابطة القلمية، العصبة الأندلسية و الرابطة الأدبية» - بداية القرن العشرين- أن تحطم تقاليد الشاعر القديم تحطيمًا تامًا، و أن تعيد إلى الحياة، بسبب تأثرهم بالأدب الغربي، الوظيفة القديمة للشاعر؛ لقد أحس الشعراء العرب بتأثرهم من الأدب الغربي، و بدأوا يشعرون بالحاجة إلى تغيير موضوعاتهم الشعرية، ظهرت أولى ملامح هذا التجديد، في التغيير فيما يفرضه النظام الموسيقي للشعر العربي من وحدة الوزن و القافية، إذ أدى الالتزام بهذا النظام إلى التضييق على مواهبهم؛ و الحد من حريتهم في التعبير عن أفكارهم الخاصة، و عالمهم الباطني و عواطفهم، و قالوا إن الشكل و معجم الألفاظ لم يعودا ملائمين للحياة الحديثة و للتقدم؛ و اتهموا القافية الموحدة بتقييد الرؤية في الشعر العربي «موره، ٢٠٠٣، ١٢٥-١٢٦».

١-٢-١-٢- حركة الشعر الحر أو التفعيلة

لا شك في أنّ حركة الشعر الحر التي ظهرت بالعراق شكّلت إرهاباً حقيقياً للحدائث الشعرية، و ذلك استجابة لتطور البنيات، و العلائق و تغير الأنساق؛ و قد كانت هذه الحركة بمثابة ثورة على أنظمة التقاليد الموروثة، و اعتناقاً من العروض الخليلي الذي لم يعد يتناسب و طموح القصيدة الحديثة في ابتداعها لنظامها الإيقاعي الخاص، و الاعتراف لها بحقها في التجريب؛ و قد بادرت نازك الملائكة - في جمعها بين الممارسة التطبيقية و النظرية- إلى إثارة الجدل حول بعض القضايا التجديدية (حمر العين، ١٩٩٦، ٤٦)؛ فترى الشاعرة أن الشعر العربي لم يقف بعد على قدميه، بعد الرقدة الطويلة التي جثمت على صدره طيلة القرون المنصرمة الماضية؛ و في هذا الصدد تقول: «نحن عموماً أسرى تسيرنا القواعد التي وضعها أسلافنا في الجاهلية؛ و مازلنا نلهث في قصائدنا و نجرّ عواطفنا المقيدة بسلاسل الأوزان القديمة و فرقة الألفاظ الميتة، و الذي أعتقد أنّ الشعر العربي يقف اليوم على حافة تطور جارف عاصف لن يبقى من الأساليب القديمة شيئاً، فالأوزان و القوافي و المذاهب ستترزع قواعدهما جميعاً، و الألفاظ ستوسع حتى تشمل آفاقاً جديدة واسعة من قوة التعبير، و التجارب الشعرية «الموضوعات» ستتجه اتجاهها سريعاً إلى داخل النفس، بعد أن بقيت تحوم حولها من بعيد» (الملائكة، ١٩٧٤، ٣٥-٣٦)؛ فإذا أمعنا النظر في كتابات الشاعرة، مثل قضايا الشعر المعاصر، و شظايا و رماد و ...، لا نواجه مصطلح الحدائث؛ و لكن الشاعرة استخدمت مفردات مثل «التجديد»، «المعاصر»، «الحديث» و «البدعة».

١-٢-١-٣- مجلة «شعر»

^١ - استفاد شوقي ضيف في كتابه «دراسات في الشعر العربي المعاصر» كلمة المهاجر بدلاً من المهجر. و يجدر بالذكر أنّ هناك خلاف في توظيف كلمة المهجر و المهاجر.

استطاعت مجلة الشعر أن تكون أبلغ أثراً من سواها في تاريخ تلك الحركة أيا كانت طبيعة ذلك الأثر و نوعيته؛ لأنها جعلت من نفسها منبراً لاتجاهات متفاوتة في داخل الحركة نفسها، و تبنت قصيدة النثر، القصيدة ذات الإيقاع المنظم و التفعيلات المتفاوتة، و ككل مجلة أخرى، شجعت بواكير شعرية لم تثبت طويلاً في المجال الشعري، و أطلعت الشعراء و القراء على نماذج مترجمة من الشعر الغربي، و أيدت الاتجاه بأصوات نقدية متعددة، و حين توقفت عن الصدور خلفتها في هذا المضمار مجالات أخرى مثل " حوار " و " مواقف " ثم فاض فيض المجالات التي تعنى بهذا اللون من الشعر في كل الأقطار العربية (عباس، ١٩٧٨، ١٩).

((صحيح أن تغييراً جزئياً كان قد أصاب الشعر العربي مع أبي تمام ثم مع الأندلسيين ثم مع مدرستي «الديوان - ١٩٢١» و «أبولو - ١٩٣٣» و «الرابطة القلمية - ١٩٢٠»؛ و لكن مجلة «شعر» و لفييف شعرائها هم الذين قدموا مشروعاً حدثياً متماسكاً و متميزاً للشعر العربي الحديث؛ أسس يوسف الخال مجلة «شعر» لتكون ناطقة باسم الحدائث لا في الشعر فحسب، بل في جميع المجالات الثقافية؛ ذلك أنه رأى في الحدائث موقفاً كيانياً (شحيد و قصاب، ٢٠٠٣، ٤٧-٤٨).

١-٢-٢- اتجاهات الحدائث شكلاً و مضموناً

ترتبط الحدائث شكلاً بالإيقاع أو البنية الإيقاعية، بحيث يتم الانتقال من مستوى الكتابة بالبيت ذي الشطرين المتساويين المنتهي بقافية إلى مستوى الكتابة بالتفعيلة؛ فالتشكيل الموسيقي الجديد خاضع خضوعاً مباشراً للحالة النفسية أو الشعورية التي يصدر عنها الشاعر (إسماعيل، ٢٠٠٧، ٤٣)، يطول بطولها و يقصر بقصرها، خلافاً للبيت التقليدي الذي يبدو شكلاً معدداً سلفاً، و ما على الشاعر إلا أن يخطّط مشاعره و يقلصها لتتلاءم مع ذلك الشكل.

إن التغيير الجوهرية الذي أدخله الشعر الجديد، ينوي تحطيم الوحدة الموسيقية للبيت؛ و هذا هو الذي ركزت عليه نازك الملائكة و رأت فيه هذه المزايا: الحرية، الموسيقية، التدفق، النزوع إلى الواقع، الحنين إلى الاستقلال، النفور من النموذج، الهروب من التناظر، إشار المضمون (الملائكة، ١٩٧٤، ٨٣)؛ فلاشك أن التغيير الجوهرية الذي حدث للوزن و القافية هو الباب الذي فتح على مصراعيه لدخول الشعر العربي إلى عالم الحدائث؛ ذلك لأن الأوزان - برأي أصحاب الحدائث - تشكل قيوداً، و على كل شاعر أن يتحرر منها، إذا وجد أنها تقيد.

أما في المضمون فكان دعاة الحدائث يهدفون إلى أن يجعلوا الشعر تعبيراً عن المشاعر الإنسانية الداخلية و مواكباً لروح العصر؛ فمن سمات الشعر الحدائثي مضموناً، الاغتراب النفسي أو تجربة الغربة، و السخرية من الحياة، و الغموض و الإبهام؛ فالغموض قد يكون ناتجاً عن قصد التعمية و التضليل، أو يكون متولداً عن التمحلّ باسم الحدائث، حين يحفل الشاعر في إحكام الصلة بين ما يريد من الشعر و ما يريد الشعر منه؛ فيفرط في طلب الشعر إفراطاً محلاً، فيغلق شعره بمقتضى تجريده من كل إطار غير شعري يخرج فيه؛ و